

خطر فروپاشی سیاسی!؟



پایان عمر قانونی پارلمان، قبل از برگزاری انتخابات و تشکیل پارلمان جدید، یکی دیگر از معلول‌های انتخابات ناقص ریاست‌جمهوری و بی‌برنامگی حکومت است که طبعاً تنش‌ها و بحران‌های تازه را در راه خواهد داشت. این دومین ستون دولت است که پس از حکومت، معیوب می‌گردد و اکنون ارجاع آن به قضا که خود سال‌هاست از مشکل قانونی و عدم استقلال رنج می‌برد، ابعاد بحران قانونی را پیچیده و عمیق‌تر می‌سازد. چون در نبود پارلمان منتخب، لویه جرگه قانون اساسی مطابق تفاهمنامه ایجاد نمی‌گردد که در این صورت کل بدنه دولت به بن بست مواجه خواهد گردید و خطر فروپاشی سیاسی را افزایش می‌دهد. عدم اقدام به موقع و به اساس تفاهمنامه...

ادامه صفحه ۶

رییس‌جمهور در دیدار با مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی:

در دیدار با اقشار مردم اعتماد ایجاد کنید

صفحه ۶

ریاست اجرایی:

مراجعه به مسوولان فعلی کمیسیون‌های انتخاباتی پذیرفتنی نیست



وزیر مهاجرین و عودت‌کنندگان:

مهاجرت مردم افغانستان پایان می‌یابد

حوصله بکنند و اطمینان می‌دهم، سال‌های آخری است که این کشورها میزبان مردم ما هستند. بیشتر از ۳۰ سال این کشورها به ویژه پاکستان و ایران میزبان مردم ما بودند و ما از آنان تشکر می‌کنیم اطمینان می‌دهم حضور مردم ما در کشورهای شما آخرین سال‌هایش را طی می‌کند و...» وزیر امور مهاجرین خاطرنشان کرد که دولت افغانستان در عرصه‌های مختلف اشتغال‌زایی، اسکان مهاجرین و زیرساخت‌ها، برنامه‌های جامعی را روی دست دارد که تطبیق آنان می‌تواند پایان مهاجرت افغان‌ها به کشورهای خارجی باشد.

آقای عالمی بیان داشت: عودت مهاجرین در سال جاری نسبت به سال گذشته افزایش چشم‌گیری داشته و انتظار می‌رود که با پایان ساری جاری، بیش از ۱۰۰ هزار مهاجر دوباره به کشور باز گردند.

حکومت افغانستان به کشورهای مهاجرپذیر اطمینان می‌دهد که سال‌های آخری است که این کشورها میزبان مهاجران افغان می‌باشند. سیدحسین عالمی بلخی وزیر امور مهاجرین و عودت‌کنندگان که در مراسمی به مناسبت «روز جهانی پناهنده» سخن می‌گفت اظهار داشت که مهاجرت‌های افغان‌ها به زودی پایان می‌یابد.

آقای عالمی تصریح نمود: «امیدوارم که سیر حوادث و اوضاع و احوال کشور ما به سمتی برود که امنیت و ثبات در کشور به وجود آید، همه پناهنده‌گان عزیز ما به کشور بازگردند و ما امیدواریم که زمینه‌های خوبی را برای عودت پناهنده‌گان مهیا بسازیم.»

وی افزود: «اما تا زمانی که مشکلات وجود دارد توقع و انتظار ما از کشورهای مهمان‌پذیر این است که مدارا و



به گفته وی، هم اکنون ایران میزبان ۸۴۰ هزار پناهنده، ۵۳ هزار فرد داری پاسپورت و بیش از ۱ میلیون مهاجر غیرقانونی افغان است و پاکستان نیز میزبان ۱.۶ پناهنده و بیش از ۱ میلیون مهاجر...

ادامه صفحه ۶

وزارت خارجه امریکا:

پاکستان تمایلی برای نابودی طالبان و شبکه حقانی ندارد



وزارت امورخارجه امریکا در گزارشی، پاکستان را متحد مهم این کشور در مبارزه با تروریسم عنوان کرد اما ارتش این کشور را به عدم تمایل به نابودی طالبان افغانستان و شبکه حقانی متهم کرد.

وزارت امور خارجه امریکا با ارایه گزارشی از سال ۲۰۱۴ میلادی، پاکستان را متحد مهم واشنگتن در رابطه با مبارزه با تروریسم...

ادامه صفحه ۶

والی پنجشیر به کار آغاز کرد



والی تازه ولایت پنجشیر روز شنبه (۳۰ جوزا) به کار آغاز کرد. انجنیر عارف سروری که هفته گذشته از سوی انجنیر محمد خان معاون اول داکتر عبدالله به مسوولان این ولایت معرفی شده بود، دیروز رسماً به کار خویش آغاز کرد. انجنیر عارف از سوی عبدالله رئیس اجرایی دولت وحدت ملی به حیث والی پنجشیر برگزیده شده است. همزمان با معرفی آقای سروری هشت والی دیگر نیز از سوی رییس‌جمهوری و رییس اجرایی معرفی شده‌اند. تا اکنون، شمار زیادی از ولایت‌ها توسط سرپرستان اداره می‌شود. تعیین والی‌های جدید با کشمکش‌های شدید میان رهبران دولت وحدت ملی مواجه بوده است.

افغانستان از هند و پاکستان

یکی را انتخاب نمی‌کند



صفحه ۶

در برگ ها



فاروق وردک در گرداب سیاه

نگاهی به خدمات اجتماعی در اسلام



ترور قامت بلند نسل جوان در دانشگاه‌ها

شاهراه های مرگ



احمد عمران

فاروق وردک

در گرداب سیاه



بر پایه برخی گزارش‌ها، میلیون‌ها دالر را مقام‌های پیشین وزارت معارف افغانستان به نام مکتب‌هایی که در عمل وجود نداشته‌اند و از آن‌ها به نام مکتب‌های خیالی یاد می‌شود، از نهاد توسعه‌ی آمریکا برای افغانستان دریافت کرده‌اند. این ادعا در عین حال که تکان‌دهنده است، ادعای کلانی نیز می‌تواند به شمار رود. در کنار پرونده کابل‌بانک و وزارت شهرسازی که در روزهای اخیر خبرساز شد، حالا پرونده دیگری باز می‌شود که شاید به مراتب از پرونده‌های پیشین بزرگ‌تر و سنگین‌تر باشد.

هشتصد میلیون دالر، پول کمی نیست

این پول‌ها برای مقاصد سیاسی در زمان رییس جمهوری پیشین استفاده شده باشد. فراموش نکنیم که معارف کشور بانک رای برخی‌ها به شمار می‌رفت و از این محل، بسیاری‌ها به جاه و مقام رسیدند. آقای وردک به صورت تصادفی وارد ساختار معارف نشده بود. او به این سمت برده شد تا هدف‌های دیگری را دنبال کند. آقای وردک برنامه‌های کلانی را در معارف کشور مدیریت کرد. او توانست معارف را به گونه‌ی که زیاد حس نشود، تک‌قومی بسازد و آن را در خدمت یک تیم مشخص قرار دهد. آقای وردک با معارف برخورد ایدئولوژیک داشت و از همین منظر، معارف را در خدمت هدف‌های خود مثله کرد. اگر معارف کشور به معارفی پویا، توانمند و سالم تبدیل نشد، دلپش همین مسایل می‌تواند باشد.

وزیر جدید معارف افغانستان در نخستین روزهای کاری خود، پرده از روی برخی مشکلات معارف برداشت و قرار است این روند ادامه پیدا کند. معارف افغانستان برای این‌که به ساختاری نیرومند و موثر در راه آموزش و پرورش نسل‌های امروز و فردای کشور تبدیل شود، واقعاً به خانه‌تکانی گسترده نیاز دارد. باید با گذشته برخورد انتقادی داشت و حساب همه را کف دست‌شان گذاشت. معارف آینده کشور است و اگر با این آینده سر سری برخورد شود، همه چیز از دست خواهد رفت. خواست عمومی جامعه این است که اختلاس‌گران شناسایی و به دادگاه سپرده شوند.

به صرفه‌جویی زد؛ یکی از این دو عرصه، معارف و دیگری فرهنگ است. وقتی افرادی چنین بی‌باکانه با سرنوشت فرزندان این کشور بازی می‌کنند، آیا این عمل چیزی کم از عمل طالبان و گروه‌های خشونت‌طلب افراطی دارد؟! بدون شک، اگر با واقع‌بینی با مسأله برخورد شود، آن‌چه را که مقام‌های پیشین وزارت معارف انجام داده‌اند، وقیحانه‌تر و جنایت‌کارانه‌تر از عمل تروریست‌هاست. تروریست‌ها می‌جنگند و جنگ خود را نیز توجیه می‌کنند. آن‌ها در کنار دولت نیستند و از امکانات دولتی سود نمی‌برند. اما کسانی که پول‌های معارف را اختلاس کرده‌اند، خود را حافظ منافع ملی و دل‌سوز به حال مردم و کشور می‌خوانند. آن‌ها ادعاهای کلان دارند و خود را مالک این آب و خاک معرفی می‌کنند. به همین دلیل، جرمی را که آن‌ها انجام داده‌اند، نمی‌توان با هیچ جنایت ضد بشری دیگری قابل مقایسه دانست.

فاروق وردک وزیر پیشین معارف افغانستان با رد ادعای اداره بازرسی ویژه آمریکا، نمی‌تواند آن‌چه را که در این وزارت در زمان او گذشته، خط بطلان بکشد. حالا این موضوع یک مسأله حقوقی و حتا جنایی است و نهاد‌های مربوط باید در اسرع وقت به آن رسیده‌گی کنند. افغانستان، کشوری بی در و پیکر است و به‌آسانی افرادی مانند فاروق وردک با شناخت و امکاناتی که دارند، می‌توانند کشور را به‌آسانی ترک کنند و یا صورت مسأله را به نفع خود مصادره کنند. در قضیه خورد و بردهای وزارت معارف، تنها آقای وردک نمی‌تواند متهم باشد. افراد زیادی در این زمینه با او نقش بازی کرده‌اند و حتا گمان برده می‌شود که از

آن‌چه را که اداره بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) به عنوان اتهام بر وزارت معارف و مقام‌های پیشین آن وارد کرده، نمی‌توان با رد و یا گرفتن موضع مخالف حل کرد. صورت چنین مسایلی زمانی پاک می‌شوند که نهاد‌های عدلی و قضایی کشور در آن دخیل ساخته شوند و اعلام موضع کنند.

در حال حاضر، سیگار بر پایه ادعاهای مقام‌های فعلی وزارت معارف و اسنادی که در اختیار این نهاد از سوی برخی منابع قرار گرفته، در نامه‌ی دفتر توسعه‌ی آمریکا برای افغانستان یا USID خواسته که در این خصوص پاسخ دهد. زیرا این نهاد میلیون‌ها دالر را در اختیار وزارت معارف افغانستان قرار داده که بخش بزرگی از این پول‌ها حیف و میل شده است. بر پایه برخی گزارش‌ها، میلیون‌ها دالر را مقام‌های پیشین وزارت معارف افغانستان به نام مکتب‌هایی که در عمل وجود نداشته‌اند و از آن‌ها به نام مکتب‌های خیالی یاد می‌شود، از نهاد توسعه‌ی آمریکا برای افغانستان دریافت کرده‌اند. این ادعا در عین حال که تکان‌دهنده است، ادعای کلانی نیز می‌تواند به شمار رود. در کنار پرونده کابل‌بانک و وزارت شهرسازی که در روزهای اخیر خبرساز شد، حالا پرونده دیگری باز می‌شود که شاید به مراتب از پرونده‌های پیشین بزرگ‌تر و سنگین‌تر باشد. هشتصد میلیون دالر، پول کمی نیست که به نام مکتب و معلم از منابع خارجی گرفته می‌شود و مورد بهره‌برداری‌های شخصی قرار می‌گیرد. معارف افغانستان وضعیت اسفباری دارد. حقوق ماهانه یک معلم ۶ تا ۷ هزار افغانی است. بخش بزرگی از مکتب‌های کشور، فاقد ساختمان‌اند و در خیمه‌ها و در آفتاب سوزان دایر می‌شوند، ولی مدیران ارشد معارف کشور پول‌هایی را که برای رفع چنین نیازمندی‌هایی اختصاص یافته، به فجع‌ترین شکل ممکن حیف و میل می‌کنند. معارف، امید امروز و فردای جامعه ماست. می‌گویند در همه جا و همه چیز می‌توان صرفه‌جویی کرد، اما در دو عرصه نباید دست

سخن‌ماندگار

افغانستان را دریابید

این روزها افغانستان برای منطقه در دست بزرگی شده است. رسیدن سربازان روسی به مرزهای ما و نگرانی کشورهای منطقه از حضور و گسترش داعش در این کشور، افغانستان را در مرحله جدیدی از بحران و هرج و مرج نشان می‌دهد.

جامعه جهانی و به‌خصوص آمریکا، از قدرتمند شدن روزافزون داعش خبر می‌دهند و این به شدت روح و روان جامعه را می‌آزارد. بحث خروج سربازان خارجی و نبرد تنهائی نیروهای داخلی در برابر طالبان و در نهایت داعش، و نیز رقابت استخباراتی کشورهای رقیب در افغانستان، بیان می‌کنند که این کشور روزهای دشوارتری را در پیش رو دارد.

خروج میلیونی مردم از کشور به‌خصوص آن‌هایی که توان خارج شدن را دارند، نشان می‌دهد که افغانستان به گونه اعلام نشده، به روزهای سیاه گذشته نزدیک می‌شود و یک چنین ترسی سبب شده که کسانی که در این پانزده سال به نان و نوا رسیده‌اند و شانس زنده‌گی در کشورهای امن و مرفه جهان را دارند، راه‌شان را از افغانستان جدا کنند و ساحلی امن برای خود برگزینند.

گزارش‌ها می‌رسانند که افغانستان بعد از سوریه، بیشترین میزان خروج اتباع را در یک سال اخیر داشته است. از طرف دیگر، سیاست‌های نادرست ارگ ریاست‌جمهوری نیز منجر به بی‌اعتمادی و بی‌باوری بیشتر مردم نسبت به آینده کشور شده است. کاهش در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و رشد فساد در ادارات دولتی، ناشی از همین سیاست‌هاست. در حال حاضر، سرمایه‌ها از کشور خارج می‌شوند و نیز پول از جیب مردم و نان از دستخوان آن‌ها گم شده است، اما دولت هیچ توجهی به این آفت‌ها و صدمه‌ها ندارد.

تنها چیزی که حکومت در این اوضاع یاد گرفته، این است که دست به اقدام‌های فریبنده و موقتی بزند تا مردم را برای مدتی آرام نگه دارد و بس.

عدم تعهد به اصلاحات انتخاباتی و گسترش مشکوک داعش در افغانستان و تقویت طالبان در بخش‌های مهم کشور و ناامن شدن بخش‌های امن کشور و قوم‌گرایی مفرط در ادارات دولتی و کنار زدن دیگر گروه‌های قومی از رأس قدرت؛ همه و همه از وضعیت غیرمطمین افغانستان حکایت می‌کنند. اگر به این چراها و نگرانی‌ها پرداخته نشود، بدون شک بی‌اعتمادی بیشتر خواهد شد و مردم زیادی راه فرار را در پیش خواهند گرفت. از طرف دیگر، رشد گروه‌های افراطی در افغانستان و ایجاد مراکز که فردا می‌توانند پناهگاه‌های خوبی برای تروریستان منطقه باشند، با سکوت دولت مواجه است که این همه بی‌اعتمادی مردم را نسبت به روند موجود و حاکمیت موجود بیشتر می‌کند.

هرچند مردم افغانستان نمی‌خواهند امیدشان را از دست دهند و کوشش می‌کنند با توکل به خدا، بر بسیاری از نابسامانی‌ها فایق آیند، اما وقتی می‌بینند سران دولت به‌خصوص ریاست جمهوری نیتی برای اصلاحات در هیچ عرصه‌ی ندارد، اعتمادشان نسبت به نظام و امیدشان به آینده کاهش می‌یابد.

باید مسوولان امور، وضعیت را دریابند و اجازه ندهند که کشور در ورطه هولناک دیگری سقوط کند. زیرا بیم آن می‌رود که در موجودیت یک نظام نیم‌بند، افغانستان آهسته‌آهسته به مرکز تجمع تروریسم و افراطیت در منطقه تبدیل شود و مسلماً تحقق این امر، به معنای نابودی کامل کشور است.

اگر امروز به فردای افغانستان توجه نشود و از همین اکنون جلو برخی اقدامات کشوربراندازانه گرفته نشود، فردا دیر خواهد بود!

فلسفه و حکمت روزه در چیست؟

محمداکرام اندیشمند

روزه معنای فارسی واژه عربی «صیام» است. ماه رمضان را ماه صیام یا ماه روزه می‌گویند که مسلمانان در این ماه مکلف به صوم یا روزه داشتن استند. صوم به معنی خودداری، امساک، توقف، ترک کردن، اجتناب و پرهیز است. اجتناب از خوردن و نوشیدن در وقت معین و مشخص (قبل از طلوع تا غروب آفتاب) و خودداری از آنچه که به ابطال صیام می‌انجامد و این اجتناب از الزامات صیام و یا روزه محسوب می‌شود.

وقتی صیام و روزه به معنی پرهیز و اجتناب است و به‌ویژه اجتناب از خوردن و نوشیدن در جریان روز که صورت متعارف و معمول روزه و روزه‌داری را نشان می‌دهد، این پرسش مطرح می‌شود که «فلسفه و حکمت این اجتناب و پرهیز از خوردن و نوش در چیست؟ چرا مسلمانان مکلف می‌شوند که از بام تا شام هر روز ماه رمضان خود را گرسنه و تشنه نگه دارند و از خوردن و نوشیدن خودداری کنند؟»

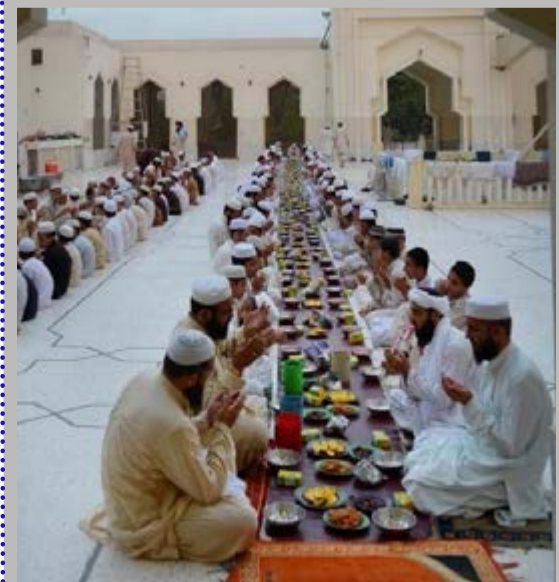
اگر فلسفه و حکمت روزه این باشد که مسلمانان روزه‌دار با گرسنه‌گی و تشنه‌گی خویش، سختی و حالت گرسنه‌گان و تشنه‌گان را درک کنند، هر آدم و هر مسلمانی حتا بدون آن‌که خود را گرسنه و تشنه نگه دارد، به خوبی می‌فهمد که گرسنه‌گی و تشنه‌گی بسیار سخت و تلخ است. بنا بر این، حکمت و فلسفه دینی روزه که فرضیت و وجوب آن برای مسلمانان محرز شده است، ریشه در درک گرسنه‌گی و تشنه‌گی گرسنه‌گان و تشنه‌گان ندارد. پس روزه برای چیست و فلسفه و حکمت دینی آن در چه نکته‌یی نهفته است؟

پاسخ این پرسش را به‌صورت بسیار روشن و آسان در این آیه قرآن کریم (سوره بقره، آیه ۱۸۳) می‌توان دریافت: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» ای مومنان (مسلمانان) روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه بر کسانی که قبل از شما بودند، تا پرهیزگار شوید.

در این آیه که تبیین صریح فرضیت و وجوب روزه برای مسلمانان است، حکمت و فلسفه روزه نیز بدون هیچ ابهامی بیان می‌شود. روزه برای مومنان یا مسلمانان فرض شده است تا به تقوا و پرهیزگاری برسند. یعنی حکمت و فلسفه فرضیت و وجوب روزه به این برنمی‌گردد که مسلمانان از صبح تا شام خود را گرسنه و تشنه نگه دارند. اگر صیام و یا روزه، امساک و اجتناب از خوردن و نوشیدن و پرهیز از سایر اعمال ابطال‌کننده روزه است، این اجتناب و امساک باید مسلمان را به تقوا و پرهیزکاری برساند. پس روزه در واقع تمرین تقوا و پرهیزگاری است که از راه روزه‌داری یعنی از راه «امساک و اجتناب» حاصل می‌شود. و این امساک و اجتناب تنها به خوردن و نوش محدود نمی‌شود که مسلمانان از بام تا شام، شکم‌های خود را از آب و نان دور نگه دارند.

این تقوا چیست که موجب دلیل و فلسفه فرضیت و وجوب روزه برای مسلمانان می‌شود؟

تقوا: اجتناب از تمامی اعمال و رفتاری که در شریعت اسلام شامل منهیات و منکرات است و عمل به آنچه که در اسلام، معروف و واجب شرعی محسوب می‌شود. ستمگری، حق تلفی، بی‌عدالتی، قتل، ویران‌گری، تجاوز، مردم‌آزاری، بدامنی، دروغ، تقلب، دزدی، رشوت‌خواری، احتکار، غیبت، منافقت، فریب‌کاری، حقه‌بازی، تعصب، کینه‌ورزی و... همه از منکرات‌اند که در ماه رمضان و روزه‌داری همچون امساک از خوردن و نوشیدن، باید از انجام و ارتکاب آن‌ها اجتناب و امساک شود. زیرا در فضای این پرهیز و امساک از منکرات است که روزه، روزه‌دار مسلمان را به مقام و منزلت تقوا می‌رساند. در غیر آن، روزه‌داری همراه با انجام انواع منکرات و ارتکاب خیانت و جنایت، تظاهر ریاکارانه و دروغینی بیش نیست!



شاهراه‌های مرگ

احمد سیر یزدانی

در حال حاضر بیش از ده هزار نیروی امنیتی افغانستان در ۸۱۹ پوسته امنیتی در مسیر شاهراه‌های کشور مسوولیت تأمین امنیت این شاهراه‌ها را به عهده دارند؛ افزون بر آن شماری از نیروهای خارجی نیز در برخی از مسیرهای عمومی جابجا اند و یا پایگاه‌هایشان در چند قدمی این شاهراه قرار دارد، اما با وجود آن هم، این شاهراه‌های مواصلاتی برای مسافران امن نیست و در جریان سال جاری، اختطاف، دزدی‌های مسلحانه، حمله بالایی پوسته‌های امنیتی، برخوردهای هویتی و قومی، انفجار پل‌های مواصلاتی، تخریب سرک‌ها و آتش زدن موترهای حامل مواد سوختی در بسیاری از این مسیرها افزایش یافته است.

در همین حال، مسولان در وزارت داخله می‌گویند، مسیر شماری از شاهراه‌ها بر اثر ماین‌گذاری مخالفان دولت، مشخصات یک شاهراه معیاری را ندارند و قسمت‌های مختلف این مسیرهای عمومی بنابر انفجار ماین‌های کنار جاده از بین رفته است.

نگرانی‌ها

ناامنی‌ها در مسیر شاهراه‌های کشور در جریان سال جاری برای نماینده‌گان مردم در شوراهای ولایتی، مجلس نماینده‌گان و نهادهای مدنی کشور نیز نگران کننده بوده است.

شیما محمدی نماینده مردم در شورای ولایتی دایکندی می‌گوید: «بارها جوانان ما در مسیر راه کابل-دایکندی در میدان وردک سرهایشان بریده شده است».

بانو محمدی افزود: «ناامنی در این مسیر در جریان سال جاری افزایش داشته و افزون بر قتل در مسیر شاهراه کابل-دایکندی، اختطاف و سرقت‌های مسلحانه مشکل دیگر مسافرانی می‌باشد که از این شاهراه عبور می‌کنند».

شماری از نماینده‌گان مردم در شورای ولایتی کابل نیز افزایش ناامنی‌ها را در جریان سال جاری تایید می‌کنند و به این باور اند که در برخی از موارد پولیس با افراد و گروه‌هایی که در مسیر شاهراه‌ها ناامنی ایجاد می‌کنند، همکاری است.

قیوم قنبری نماینده مردم در شورای ولایتی کابل می‌گوید: «شکایات به مراتب به ما در مورد افزایش ناامنی‌ها در مسیر شاهراه‌های کشور رسیده است و دولت در این سیزده سال بخصوص در منطقه شاه جوی تسلط نداشته و پوسته‌های امنیتی در شاهراه‌ها هم با طالبان هم‌آهنگ اند، یعنی که تحت فرمان طالبان هستند، و بصورت سمبول در لب سرک‌ها ایستاده اند». آقای قنبری هم‌چنان می‌گوید: شاهد عینی‌یی که از حادثه اختطاف ۳۱ فرد اخیر در منطقه شاه جوی ولایت زابل ما را در جریان گذشته می‌گوید که این اتفاق در ۵۰۰ متری پوسته اردوی ملی صورت گرفته و اردوی ملی را نیز از آن با خبر ساخته اند؛ اما آن‌ها گفتند که به ما اجازه نیست خط پیش برویم.

بنابر گفته آقای قنبری که آنان این موضوع را چندین مرتبه با مسولان در وزارت‌های داخله و دفاع شریک ساختند، اما تا حال برای شان جواب قناعت بخش داده نشده است.

در این حال، آنچه بر بار این مشکلات افزوده افزایش ناامنی‌ها در مسیر شاهراه ولایات شمالی کشور می‌باشد و در جریان سال جاری در شمال کشور نیز ناامنی‌ها افزایش یافته است.

محمد ابراهیم خیراندیش رییس شورای ولایتی ولایت بلخ می‌گوید: «در مسیر شاهراه کابل-مزار گاهی در بخش‌های دوشی، چشمه شیر و کندز و پلخمیری ناامنی وجود دارد».

عبدالستار درزایی نماینده مردم جوزجان در مجلس نماینده‌گان، عوامل ناامنی در شاهراه‌های کشور را برشمرده می‌گوید: «نیروهای امنیتی موظف در شاهراه‌ها بسنده نیست و کمبود تجهیزات نیز بر این مشکل افزوده، باید نیروهای امنیتی دارای تعلیم و تربیه کامل باشند و مسوولیت‌های هر کدام از نیروهای امنیتی نیز، مشخص شود».

در این مورد نجیب‌الله دانش معاون سخنگوی وزارت داخله می‌گوید: «ناامنی در اوایل سال جاری در مسیر شاهراه‌ها افزایش داشت؛ اما با عملیات مشترک نیروهای امنیتی این ناامنی‌ها کاهش یافته است. آقای دانش گفته‌های نماینده‌گان مردم در مجلس

نماینده‌گان و شوراهای ولایتی را بیاساس می‌خواند و می‌گوید: «در سال‌های گذشته، دشمن کوشش داشت تا شاهراه را تحت تسلط خود داشته باشد، اما حالا فقط حمله و سپس از منطقه فرار می‌کنند».

هم‌چنان، دولت وزیری معاون سخنگوی وزارت دفاع می‌گوید: «هر کس که در باره نیروهای اردوی ملی حرف می‌زند، گرم از خانه خود بیرون آمده و از دنیا خبر ندارد؛ اگر وکیل است و یا هر کس دیگری که است این را باید فکر کند که کشور در حال جنگ است و این گونه اتفاقات یک موضوع عادی است».

بر بنیاد معلومات مسولان در وزارت‌های داخله و دفاع، در حال حاضر بیش از ده هزار نیروی امنیتی افغانستان در مسیر شاهراه‌های کشور وظیفه تأمین امنیت را به عهده دارند و با تجهیزات کامل، در مسیر شاهراه‌های مختلف موظف شده اند و نیازی به افزایش نیروی امنیتی و تجهیزات بیشتر نمی‌باشد.

دولت وزیری معاون سخنگوی وزارت دفاع کشور می‌گوید: «نیروهای کافی در مسیر شاهراه‌ها وجود دارد و نیازی به استفاده از طیارات جنگی برای از بین بردن مخالفان دولت در مسیر شاهراه‌های مواصلاتی کشور نیز حس نمی‌شود و از سوی هم هزینه پرواز هر فروند چرخ‌بال مبلغ دو هزار دالر امریکایی می‌باشد». او می‌گوید: در گذشته، نیروهای پولیس و ارتش مستقر در شاهراه‌های کشور در بین خود هم‌آهنگی نداشتند و هر کدام کوشش می‌کرد که مسوولیت را به دوش یکدیگر بی‌اندازند؛ اما بعد از گذشت شش ماه این مشکل رفع شده است.

اما، نجیب‌الله دانش معاون سخنگوی وزارت داخله در این مورد دید دیگری دارد. او می‌گوید: «باید در بخش قطعات هوایی کار شود تا فرصت حمله دشمنان بالای مسافران و تانکرهای مواد سوختی گرفته شود».

به باور آقای دانش، زمانی که دشمن بالای پوسته‌های نیروهای امنیتی حمله می‌کند، باید این نیروها مورد حمایت قوای هوایی قرار گیرد تا از تلفات نیروهای مسلح و فرار مخالفان جلوگیری شود.

به گفته معاون سخنگوی وزارت داخله، در حال حاضر این وزارت با تجهیزات مدرن هوایی مجهز نیست و با وجود توظیف نیروهای ثابت و سیار از سوی وزارت داخله، این مشکل به گونه کامل رفع نشده است.

باوجودی که مسولان در وزارت‌های داخله و دفاع از نیروی کافی و تجهیزات جنگی مدرن در مسیر شاهراه‌ها سخن می‌زنند؛ اما شماری از نماینده‌گان مردم در شوراهای ولایتی کشور می‌گویند که حکومت افغانستان در تأمین امنیت شاهراه‌ها دست‌آوردی نداشته که هیچ، عقب گرد نیز داشته است.

زهره نوابی نماینده مردم کابل در شورای ولایتی می‌گوید: «در حکومت وحدت ملی به جای این که پیشرفت داشته باشیم، به عقب رفته ایم؛ راه‌گیری‌ها زیاد شده و هر روز شاهد هستیم که موتر را متوقف می‌کنند و به نام‌های مختلف شهروندان را می‌ربایند». عوامل ناامنی در شاهراه‌ها



شیما محمدی عضو شورای ولایتی دایکندی، شماری از نیروهای امنیتی موظف در مسیر شاهراه‌های مواصلاتی را در ناامنی‌های شاهراه‌های کشور دخیل دانسته می‌گوید: «به صراحت گفته می‌توانم که شماری از نیروهای امنیتی در مسیر راه، اختطاف‌ها و ناامنی‌ها را ایجاد می‌کنند و یا با طالبان هم‌آهنگ اند».

اما، نجیب‌الله دانش معاون سخنگوی وزارت داخله این گفته را رد کرده می‌گوید: «این صحبت‌ها غیر مسئولانه و غیرمنطقی است که ذهینت عامه را مغشوش می‌سازد».

دولت وزیری معاون سخنگوی وزارت دفاع افزایش ناامنی‌ها را در مسیر شاهراه‌های کشور، نبود همکاری مردم با نیروهای امنیتی می‌داند و می‌گوید: «مخالفان از خانه‌های مسکونی، نیروهای امنیتی را هدف قرار می‌دهند و دوباره به خانه‌های امن شان پناه می‌برند». شماری از مسافرانی که بنابر اقتصاد ضعیف از طریق زمینی سفر می‌کنند و هم‌چنان راننده‌های شماری از موترهای مسافربری نیز از موجودیت مشکلات در مسیر شاهراه‌های کشور شکایت دارند.

رفیع سادات یک‌تن از مسافران می‌گوید: «زمانی که از هرات به سوی کابل می‌آیم، چندین مرتبه به کمین طالبان برخوردیم و چندین مرتبه نیز از سوی دزدان مسلح اموال به سرقت رفته است».

محمد حنیف که در مسیر کابل-ننگرهار راننده است، می‌گوید: «در مسیر این شاهراه در برخی از موارد موترهای شان از سوی طالبان متوقف می‌شود، گاهی هم در بین نیروهای امنیتی جنگ صورت می‌گیرد». احمدفواد یکی دیگر از راننده‌گان می‌گوید: «در مسیر شاهراه غزنی-کندهار شاهد تخریب اکثر پل‌ها، دزدی اموال مسافرانی و چندین مورد قتل بوده‌ام».

شماری از مسافرانی که از شاهراه کابل-هرات سفر می‌کنند، می‌گویند که طالبان اکثر پل‌های این مسیر را از بین برده اند و راننده‌ها مجبور می‌شوند تا از مسیر خاکی استفاده کنند که طالبان هم در اکثر مواقع سرک‌های خاکی را ماین‌گذاری می‌کنند که باعث تلفات زیاد انسانی می‌شود.

محمد نواب که در این مسیر راننده است می‌گوید: «پل‌های شاهراه کابل-هرات کاملاً از سوی طالبان ماین‌گذاری شده و از بین رفته است و قسمت‌های از سرک نیز کامل تخریب شده و در جریان سال جاری شمار زیاد از مسافرانی که از این شاهراه استفاده کرده اند اموال شان به سرقت رفته و یا هم به قتل رسیده اند».

بر بنیاد گفته‌های مسولان در وزارت داخله و دفاع، در جریان سال جاری مخالفان زیادتر از ماین‌های کنار جاده استفاده کرده اند که منجر به از بین رفته پل‌ها شده و از سوی هم تلفات ملکی و نظامی را در پی داشته است.

نجیب‌الله دانش معاون سخنگوی وزارت داخله می‌گوید: «بیشترین فعالیت مخالفان انفجار و کارگزاری ماین‌های کنار جاده است که باعث تخریب پلچک‌ها در مسیر شاهراه کابل-هرات شد است».

بخش نخست

نگاه به خدمات اجتماعی در اسلام



سید احمد اشرفی

خدمات اجتماعی چیست؟



خدمات اجتماعی در جهان معاصر از جمله وظایف عمده دولت‌های عصری و جزو حقوق اساسی

شهروندی محسوب می‌شود. در شرایط امروزی، دولت‌ها و احزاب سیاسی وقتی می‌توانند طرف‌داری و پشتیبانی مردم را به خود جلب کنند که شایسته‌گی و کارایی خود را در عرضه خدمات اجتماعی و دستگیری از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، در عمل ثابت نمایند؛ زیرا فطری‌ترین و قوی‌ترین منطق برای بشر چه عامی و دهاتی و چه درس خوانده و متمدن، تأیید عملی است. آثار عملی هر چیز، دلالت واضح و قاطع بر حقیقت آن دارد.

خدمات اجتماعی تحت عناوین مختلفی همچون تأمین اجتماعی، تکافل اجتماعی، تأمین و تکافل اجتماعی نیز یاد می‌شود. خدمات اجتماعی از نگاه لغوی از دو کلمه «خدمات» (جمع خدمت) و «اجتماعی» (منسوب به اجتماع) تشکیل شده است که منظور از آن، کار و خدمتی است که در ظرف اجتماع و مناسبات انسانی تحقق پیدا می‌کند.

در تعریف اصطلاحی آن گفته‌اند: خدمات اجتماعی مجموعه‌یی متشکل از تدابیر و فعالیت‌های حرفه‌یی است که برای مبارزه با مشکلات زنده‌گی نظیر فقر، بیماری، پیری، بیکاری، بی‌سرپرستی و حوادث، در قالب نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات رفاه اجتماعی عرضه می‌شود و منظور از آن، تأمین حمایت اجتماعی است که از راه‌های مختلف نظیر کمک‌های دولت، بیمه‌های اجتماعی، جلب کمک‌های مردمی و نهادهای اجتماعی امکان‌پذیر است.^۱

فلسفه خدمات اجتماعی ریشه در خصلت اجتماعی بودن انسان دارد و از آن‌جا که انسان به‌تنهایی قادر به رفع نیازهای خود نیست، در همه اوقات به‌خصوص هنگام بروز خطر به یار و مددکار ضرورت دارد. پیش از تشکیل دولت‌ها و جوامع گسترده، انسان‌ها در هنگام بروز مشکلات، به همکاری یکدیگر می‌شناختند و با وسایل و روش‌های گوناگون از یکدیگر حمایت می‌کردند. اما به علت ساده‌گی روابط و مناسبات اجتماعی، این خدمات به‌صورت ساده و سازمان‌ناایافته رایج می‌شد. ولی به‌تدریج و با توسعه جوامع و شکل‌گیری حکومت‌ها و دولتهای سستی، مفهوم خدمات اجتماعی هم کم

کم دیگرگون شد.

مهاجرت‌ها، جنگ‌ها، بروز بیماری‌های فراگیر و صعب‌العلاج، و ازدیاد بی‌سرپرستان، لزوم فراگیر شدن خدمات اجتماعی را نشان می‌داد. ظهور نظام سرمایه‌داری جدید و انقلاب صنعتی به خاطر تبعات اجتماعی‌اش ضرورت مسأله را چندبرابر کرد. به همین دلیل، مؤسسات و نهادهای دولتی و بین‌المللی در این زمینه سازوکارها و قوانینی را وضع کردند تا در چارچوب آن، از افراد نیازمند حمایت صورت بگیرد. **۲. بیمه‌های اجتماعی:** یکی از صور خدمات اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی است. بیمه‌های اجتماعی عبارت است از حمایت نیروی انسانی شاغل در مقابل برخی حوادث و سوانح احتمالی که در قالب قرارداد اعمال می‌شود.^۳

رفاه اجتماعی: هدف اساسی خدمات اجتماعی، ریشه‌کن کردن فقر و نابرابری و رفع نابسامانی‌های اجتماعی و رسیدن به رفاه اجتماعی می‌باشد.

رفاه اجتماعی چیست؟

رفاه اجتماعی در زمان فعلی معمولاً در دو معنا کاربرد دارد؛ معنای عام و معنای خاص. مراد از رفاه اجتماعی به معنای عام، توجه به کلیه افراد جامعه، صرف‌نظر از حالات جسمانی و روانی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن‌هاست. این بخش از برنامه‌های رفاه اجتماعی، معمولاً تحت عنوان حقوق ملت در قوانین اساسی کشورها جای می‌گیرد. اما مراد از رفاه اجتماعی به معنای خاص، توجه به گروه‌های ویژه اجتماعی است که به دلیل ویژه‌گی‌های خاص جسمی، روحی، شخصیتی، عاطفی، و یا اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی دارای وضعیتی متفاوت از دیگران هستند، مانند: کودکان، سالمندان، بی‌سرپرستان، فقرا، نیازمندان، معلولان جسمی و یا روانی، بیماران، افراد و خانواده‌های آسیب‌دیده از حوادث طبیعی و غیرطبیعی، مهاجران، پناهنده‌گان و امثال آنان.^۴

تکافل اجتماعی: در فرهنگ اسلامی از خدمات اجتماعی و تأمین اجتماعی، بیشتر به تکافل اجتماعی تعبیر شده است. تکافل اجتماعی چنان‌که از معنای لفظی آن برمی‌آید، آن است که افراد جامعه همدیگر را کمک، کفالت، ضمانت و پشتیبانی نموده و همه نیروهای انسانی جامعه در محافظت از منافع و مصالح اعضای جامعه و دفع ضرر از آن‌ها

متفق و هماهنگ باشند. تکافل یک امر دوطرفه است، به این معنا که مسوولیت‌ها و تکالیف اعضای جامعه، مردم و دولت، متقابل بوده و همه باید در جهت مرتفع ساختن مشکلات و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی، تعاون و تشریک مساعی داشته باشند.

خدمات و تکافل اجتماعی در اسلام

تحلیل تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که در آن عصر الگوی موفقی از خدمات و تکافل اجتماعی وجود داشته است. رساترین و عمیق‌ترین بیان از تکافل اجتماعی را در سخنان رسول اکرم - صلی الله علی وسلم - می‌توان یافت. ایشان در حدیثی جامعه بشری را به کشتی‌یی تشبیه می‌کنند که تعدادی از سرنشینان آن در طبقه بالا و تعدادی در طبقه پایین آن جای می‌گیرند. آنانی که در طبقه پایینی قرار دارند، به بهانه گرفتن آب، شروع می‌کنند به سوراخ کردن کشتی. در این صورت اگر دیگران دخالت کردند و دست آن‌ها را گرفتند، هم خود را نجات می‌دهند و هم آنان را. اما اگر بی‌پروایی اختیار کردند، کشتی سوراخ می‌شود و همه سرنشینان بدون استثنا غرق می‌گردند.^۵ در حدیثی دیگر پیغمبر اکرم (ص) جامعه اسلامی را به پیکر واحد تشبیه کرده است.^۶ شعر معروف شیخ مصلح‌الدین سعدی (رح) که در سالون مذاکرات ملل متحد نوشته شده، **مضمون همین حدیث را پروراند است:**

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک جوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

قرآن کریم در آیات متعددی بر تعاون و تکافل اجتماعی به منظور رسیدن به رفاه اجتماعی، تأکید کرده و تکلیف افراد جامعه را نسبت به یکدیگر روشن نموده است. از جمله در آیه‌یی می‌فرماید: ^۷

« (سوره مائده: آیه ۲) : و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و ستمکاری هرگز همکاری ننمایید. در این آیه، بنای اولیه جامعه انسانی بر تعاون و همکاری متقابل افراد نهاد شده و مردم به تعاون و مشارکت در امر خیر و تقوا تشویق و ترغیب و از تعاون و همدستی در امر شر و گناه و ستم‌پیشه‌گی نهی گردیده است.

بخش نخست

کارنامه مسعود

عبدالحفیظ منصور

وضعیت جغرافیایی پنجشیر

پنجشیر دره‌یی است تنگ که در ۱۲۰ کیلومتری شمال‌شرق کابل موقعیت دارد. این دره از لحاظ تقسیمات اداری، شامل یک ولسوالی و دو علاقه‌داری می‌شود و مرکز آن رخه می‌باشد.

پنجشیر از دره‌های جنوب هندوکش غربی است و طول آن شرقاً و غرباً به ۱۱۵ کیلومتر می‌رسد. مساحت آن ۳۵۲۶ کیلومتر مربع است که ۳۰ درصد ساحه عمومی ولایت پروان را در بر می‌گیرد. اوسط ارتفاع پنجشیر، ۲۲۱۷ متر از سطح بحر بوده و نقاط مرتفع آن تا ۶۰۰۰ متر از سطح بحر می‌رسد.^(۱)

بر اساس تخمین اداره مرکزی احصاییه افغانستان در سال ۱۳۶۳، پنجشیر دارای ۹۵۴۲۲ نفر نفوس بوده که در ۲۰۰ محله زنده‌گی می‌کنند.^(۲)

مردم پنجشیر، مسلمان حنفی‌مذهب بوده و همه‌گان به زبان دری تکلم می‌نمایند. پنجشیر با هفت ولایت پروان، کاپیسا، بغلان، تخار، بدخشان، لغمان و نورستان هم‌سرحد است و از طریق کوتل‌های خاواک، تل، پارنده، انجمن، زرد و چمار به مناطق ماحول خود راه دارد.

دریای پنجشیر یکی از معاونین مهم دریای کابل است که سرانجام به پاکستان می‌رود. زمستان پنجشیر سرد و پُرفرف بوده، درجه حرارت در طول سال از ۱۵ درجه زیر صفر تا ۳۲ درجه سانتی‌گراد نوسان دارد.

ضخامت طبقه برف در قسمت‌های علیای دره، حدود یک‌ونیم متر و در نواحی سفلی آن، کم‌تر از یک متر می‌باشد.

تأسیسات پنجشیر معتدل است و در ماه‌های حمل، ثور و گاهی در جوزا نیز بارنده‌گی وجود دارد.

قریه‌های عمده پنجشیر قرار زیر استند:

شتل - کورابه، زمانکور، فراج، اعنابه، تاواخ، آبدره، الوک، خواجه، گلستان، پای چنار، پیواشت، بهرام‌خیل، بخشی خیل، شصت، شیخان، کراوشی، قابضان، درخیل، مرستان، حصارک، پاراخ، خانیز، رحمن‌خیل، پارنده، ماله، منجهور، بادقول جنگلک، ملسپه، آستانه، فروبل، سنگنه، بهارک، پشغور، برجمن، خنج، سفیدچهر، دشت ریوت، مرز، خارو، جشته، کریتاو، کوهسور، شانیز، تل، خاواک، تبنه، پوجاوه، ملیمه، کرمان، پسرگان، عبدالله‌خیل، بابه علی، دوست‌علی، جبرعلی، قولندور، آستانه کلان و گلاب‌خیل.

نگاهی به گذشته پنجشیر

وجه تسمیه

در باب نام قدیم پنجشیر، دو نظر وجود دارد. نظر نخست این‌که، اهالی پنجشیر بدین باورند که در گذشته پنجشیر به «کچکن» یا «کچکنه» مسما بود، اما نظر دوم مبتنی بر تمام آثار منظور و منثور پیشین است که «پنجشیر» ذکر شده است.

کچکن در ترکی مغولی، دره تنگ معنی می‌دهد و این‌که چه‌گونه کچکن به پنجشیر تبدیل شد، میان مردم پنجشیر افسانه‌یی بر سر زبان‌هاست.

گویند سلطان محمود غزنوی وقتی خواست بند آبرگردان غزنی را اعمار نماید، از هر بلده و دیار نفر طلبید. از هرجا انبوه نفر روانه شهر غزنی شدند، اما از «کچکن» پنج تن به نمایندگی از تمام مردم آن دیار عازم غزنی شدند. در طول راه قاصدان سلطان محمود گفتند برای تعمیر بند کسان زیادی در کار است و این پنج نفر کاری را از پیش نخواهند برد. یکی از آن جمله به‌خاطر اقناع قاصد سلطان، سنگ بزرگی را با عصای خود بلند نمود و بالای سنگ دیگری گذاشت، که آن سنگ‌ها تا کنون در ناحیه «دریند پنجشیر» به «سنگ سر به سر» مشهور است.

سرانجام این پنج تن به غزنی رسیدند و شبانه بند آبرگردان را بستند و خود روانه دیار خود شدند. وقتی سلطان محمود کار خارق‌العاده این پنج نفر را مشاهده کرد، ایشان را «پنج شیر» خواند و سرزمین‌شان از آن به بعد به نام «پنجشیر» مسما گردید.

پنجشیریان عقیده دارند که زال پسرش را از رفتن به پنجشیر منع نموده و به وی چنین توصیه کرد:

به کچکن مرو ای پسر زنهار
که سم ستورت شود پاره پار
که دریای پرقرع دارد ستیز
گیاهی ندارد به جز سنگ تیز

مردم پنجشیر هر دو بیت متذکره را مربوط به شاهنامه فردوسی می‌دانند، در حالی که این دو بیت در شاهنامه نیست و در جای دیگر نیز به نام حکیم طوسی ثبت نشده است، لیکن افسانه بالا در آثار علما و شعرای کهن پنجشیر مکرراً آمده است.



ترور قامت بلند نسل جوان در

دانشگاهها حکایتی از غصه‌های بی‌انتهای این سدرزمین

شفیق‌الله شفیق - استاد دانشگاه بلخ



من در سرزمینی زیست دارم که نفس‌های آدمیانش را مرگ، خشونت، تنفر و بدبینی همراهی می‌کند و تمامی منظرهای اجتماعی‌اش، با ریاکاری و فریب پیوند خورده است. سالیان درازیست که قامت انسان‌های باغرور را با ریا و نیرنگ ترور کرده‌اند و ریاکاران همواره با بیرون آراسته و آرام، و درون پوسیده و کثیف، دوربین‌های داوری‌ها را علیه انسان پاک‌نیت و پاک‌باز بر پایه‌های فرافکنی توأم ساخته‌اند و تلاش ورزیده‌اند که صدای عدالت‌خواهی و اصلاح‌طلبی را خاموش بسازند. این جامعه را ریا و تظاهر در عمق زشتی‌ها فرو برده است. سال‌هاست که انسان‌های پاک و معصوم را انسان‌های کج‌اندیش و کج‌رفتار با تبسم و چهره‌های آرام شکار نموده‌اند. این‌جا قضاوت‌ها و داوری‌ها بسیار کلیشه‌یی و سطحی است، ظالم‌ترین و درنده‌ترین انسان‌ها در لباس پاک‌ترین‌ها وارد اجتماع می‌شوند. هیچ‌کس نمی‌پرسد نتیجه کار و عمل کرد تو چیست، اما همه می‌خواهند بدانند که چه قدر پول داری و ظاهر تو چه‌گونه است و از کدام قماش و تبار هستی! این‌جا همواره داوری‌ها و قضاوت‌ها را ظاهر فریب‌دهنده در انقیاد خویش دارد، چون مقوله ما این است که ما ظاهر را می‌بینیم، در حالی که به قول مولوی تنها خداوند است که درون را می‌نگرد:

ما بیرون را ننگریم و قال را
ما درون را بنگریم و حال را
ناظر قلبیم اگر خاشع بود
گرچه گفت لفظ ناخاضع رود

از همین رو ظاهر‌نمایی‌ها سایه شوم بر حوزه عدالت‌خواهی، حق‌خواهی و اصلاح‌طلبی افکنده است که هر صدای پاک به‌ساده‌گی آسیب‌پذیر و مغشوش می‌گردد و سعی بر انحراف و نارسایی آن می‌شود. انسانیت در سرزمین فریب و دروغ، تنها در نزد نسل باشرف مضمون است. اکنون من می‌دانم در جامعه‌یی که همه شگردهای آدمی‌اش در کج‌رفتاری و بدخواهی رقم خورده است، پاک زیستن و فاسد نبودن چه هزینه‌یی دارد!

من ۲۹ سال زنده‌گی‌ام را از مسیر درد و آلام این سرزمین عبور داده‌ام، عمیقاً با رنج‌ها و دردها آشنا هستم و خودم ظرف مملو شده از رنج انسان دردمند هستم و من از شمار آدمیانی هستم که علاقه فزاینده به کارکرد فرهنگی و اجتماعی دارم. همواره دلم می‌خواهد بی‌بدون غم و اندوه زنده‌گی نکنم؛ چون خود را فرزند دردهای این جامعه می‌پندارم. از رنج‌ها فرار نمی‌کنم. شانه‌هایم برای به دوش گرفتن غم و اندوه همواره پهن است. اما معترفم که دردها و رنج‌های این سرزمین، خیلی ریشه‌دار و عمیق است. من ۱۰ سال زنده‌گی‌ام را در کار روزنامه‌نگاری هزینه نمودم و حکایت‌های زیادی از غصه‌های بی‌انتهای آدمی را به تصویر کشیدم و ده‌ها حادثه خونین را با قلب شکسته و چشمان اشک‌آلود فریاد زدم. من روزنامه‌نگار همسان هر انسان دیگر، احساس دارم و نمی‌توانم که مانع تأثیر رویدادهای خونین

در چهره‌ام شوم. از این رو احساس می‌کردم که دشوارترین کار، روزنامه‌نگاری‌ست و بایست در فضایی آرام‌تر گام نهم. من چهار سال می‌شود که در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی مزارشرف آموزگارم. آموزگار بودن در جامعه‌یی شبیه ما خیلی دشوار و سخت است، شاید از شاق‌ترین کارهای انسانی باشد. البته سختی آموزگاری از آن جهت فزاینده و مضاعف می‌شود که آرمان‌ها و انگیزه‌های انسانی در اطراف رفتارها و برخوردهای انسان معلم داوری کند و هر لحظه صدای صداقت، راستی، شفافیت و پاک بودن به دنبالش بیچند و از مصلحت‌های کثیف و کهنه‌شده فاصله بگیرد و در نکوهش روحیه محافظه‌کاری پردازد و سپر شود برای تحفظ معصومیت دانشجویان و سایر انسان‌های قربانی شده.

هرگاه به ظاهر جامعه می‌نگریم، عنوان می‌کنیم که افغانستان یک کشور اسلامی است که پیشینه تاریخی و فرهنگی هزاران ساله دارد؛ اما زمانی که بر اعمال آدمی در این دیار نظر می‌افکنیم؛ ما فقط آرایش مذهبی و اسلامی داریم و درون ما غیرانسانی و غیراخلاقی است. محکمه وجدان که مظهر خداپاوری‌ست، در اعمال و کردار ما حاکم نیست؛ زیرا به‌شدت گرفتار بداندیشی، کج‌رفتاری، توطیه‌چینی، فساد، آزار و اذیت آدمیانیم. خیلی دردآور است زمانی که تمام گوشه‌های سرزمین از تنفر و خشونت مملو باشد و نهادهای آکادمیک به‌جای فراگیری دانش و درس انسانیت، در گیر و دار فساد و سلیقه‌های شخصی انسان‌های مریض قرار داشته باشد، استادانش به‌جای کار پژوهشی و علمی، وقت و فرصت‌شان را در ساختن فیس‌بوک‌های مستعار و نفاق‌افکن به هدر دهند!

گاهی زبان در برابر بازی‌های کثیف و آلوده کم می‌آورد و احساس می‌آفریند که بر پرده‌های پوشیده و پنهان‌شده صدا

باعزت این کشور بوده‌ام که در برابر پلیدترین چهره‌های قرن، اشک مظلومیت ریخته‌اند. من در چهار سال همکاری علمی در دانشگاه‌ها دریافتم که کمر افغانستان تنها از بی‌عدالتی‌ها در روستاها نخمیده و فقط مشکل کشور ما، افراطیت و تروریسم نیست. اگر طالبان و تروریستان هر روز آدم می‌کشند و به ترور زنان و کودکان متوسل می‌شوند و دست‌ان‌شان به خون پاک‌ترین انسان‌های این سرزمین آلوده است؛ ده‌ها اهریمن دیگر عزت و شرافت انسان این سرزمین را نشانه گرفته‌اند و غرور انسان این سرزمین را می‌گیرند.

این‌جا سرزمینی است که انسان پیش از آن‌که جوان شود و بزرگ گردد، می‌میرد؛ چون نفس داشتن روایتی از زنده ماندن نیست. زنده بودن به معنی آزاد بودن است، به معنی عزت داشتن و با شرف بودن است. زنده‌گی کردن، با آرامش روحی و جسمی ضمیمه است و از عدم دخالت دیگران در امور زنده‌گی حاصل می‌شود. ولی در سرزمین ما، مرگ پیش از زمانش می‌آید و همه داشته‌های آدمی را می‌گیرد و افسار زنده‌گی پاکان را پلیدان و ناپاکان مهار می‌کنند. من هر باری که به خود فرو می‌روم، پرسشی که ذهنم را احاطه می‌کند و دماغم را می‌فشارد این است: «مایی که با هیچ متن علمی و آکادمیک آشنا نیستیم، چرا قامت بلند نسل جوان و معصوم را تحت عنوان دانشگاه و استاد بودن ترور می‌کنیم؟»

علم و دانش آسوده‌گی می‌آفریند و انسان را از تنفر و خشونت خالی می‌سازد. فراگیری دانش نایب‌ت انسان را به زمین بزند و در ذهنش کینه و عقده بگنجانند. من باور دارم که اغلب دانشجویان با عقده‌ها و حقارت‌ها، دوران دانشجویی‌شان را به فرجام می‌رسانند؛ چون برخی استادان همواره از راه‌های نرم و سخت بر شانه‌های دانشجو سوار می‌شوند. دانشگاه‌های افغانستان دیگر محیطی نیست که

من از روزی که وارد دانشگاه‌های خصوصی و دولتی شده‌ام، شاهد هیچ رویداد بزرگ علمی نبوده‌ام. اما هم‌روزه شاهد اشک ریختن و اذیت و آزار دهه جوان باغرور و باعزت این کشور بوده‌ام که در برابر پلیدترین چهره‌های قرن، اشک مظلومیت ریخته‌اند. من در چهار سال همکاری علمی در دانشگاه‌ها دریافتم که کمر افغانستان تنها از بی‌عدالتی‌ها در روستاها نخمیده و فقط مشکل کشور ما، افراطیت و تروریسم نیست. اگر طالبان و تروریستان هر روز آدم می‌کشند و به ترور زنان و کودکان متوسل می‌شوند و دست‌ان‌شان به خون پاک‌ترین انسان‌های این سرزمین آلوده است؛ ده‌ها اهریمن دیگر عزت و شرافت انسان این سرزمین را نشانه گرفته‌اند و غرور انسان این سرزمین را می‌گیرند.

صمیمیت و دوستی بیافریند و در آن درس انسان‌دوستی و بشردوستی داده شود و مکانی نیست که تولید علم و دانش کند و درهای توسعه را به رخ سرزمین در خاک و خون تپیده ما بگشاید. زیرا از یک‌سو اغلب ما با دغدغه‌ها و اندیشه‌های انسانی و آکادمیک آشنا نیستیم، در آن‌سوی دیگر حتا در حد نگاشتن یک تحلیل و متن کوتاه علمی نیستیم. اما شیطنت را خوب بلدیم و می‌توانیم در لباس انسان شریف، مظلوم‌نمایی کنیم. اما من باور دارم هیچ لباسی برای همیشه عوام‌فریبی را کتمان کرده نمی‌تواند و هیچ کاخی که بر پایه دروغ بنا یافته باشد، تا آخر پایدار نمی‌ماند. تاریخ گواهی می‌دهد که سرانجام خداوند پاداش اعمال خوب و بد انسان را در همین دنیا داده و خداوند برای آدمی زمینه‌یی

آفریده تا نیکوکار و خوب باشد و بارها بنده‌گانش را به آزمایش گرفته است تا از بدی‌ها ندامت بکشد.

شوربختانه آدم کشور ما فرصت‌های خودسازی و اصلاح را عامدانه از خود می‌گیرد و در امتداد بدی‌های خویش گام می‌نهد. من که تا هنوز حس دانشجویی‌ام را از دست نداده‌ام و خود را هم‌صاف دانشجویان می‌پندارم و شایسته مقام و منزلت علمی استادی دانشگاه نمی‌دانم؛ اما یک انسان با غرور هستم که از زمان دانشجویی‌ام و تا این‌دم در برابر فساد، بی‌عدالتی و قانون‌شکنی و ریاکاری عقب‌نشینی نکرده‌ام. به‌ویژه زمانی که در کادر علمی دانشگاه شمولیت یافتیم، همواره صدایی رسا در برابر بی‌عدالتی و سوءاستفاده‌ها بوده‌ام و راه تعداد زیادی از انسان‌های پاک‌اندیش و صادق دانشجو را همراهی و دنبال کرده‌ام. ولی هیچ‌گاه چهره‌های فاسد و ریاکار از توطیه‌چینی در برابرم فرو گذار نبوده‌اند و همیشه سعی و تلاش ورزیده‌اند تا به جبین گشاده‌ام انواع اتهامات را وارد کنند.

من را پرخاشگر، فرصت‌طلب، انارشیت، قدرت‌طلب و سمت‌گرا به معرفی گرفتند و ده‌ها اتهام بد و زشت بر من روا داشتند؛ اما سر خم نکردم. به جاده که می‌روم، هویت فردی و اجتماعی خویش را معنی داده‌ام، من هیچ چیزی بالاتر از عزت نفس و تعلق انسانی به ارزش‌هایم ندارم. گاهی تلاش ورزیدند که من را بیگانه جلوه بدهند و دادخواهی و اعتراض را از من سلب کنند. اما من فرزند این خاکِ بلاکشیده و شهروند حوزه فرهنگ و اندیشه مولوی بلخی هستم، برای من هیچ تمایزی میان بلخ و هرات، ننگرهار و قندهار وجود ندارد.

خیلی دردناک است زمانی که به عمق حکایت‌ها و داستان‌های پنهان زنده‌گی انسان این جغرافیا فرو بروی و هر لحظه بیننده زشتی‌ها و بدی‌های آگاهانه برخی‌ها باشی. بدانی و تماشا کنی که برخی‌ها چه‌گونه ارزش‌ها را وارونه می‌سازند و چه‌گونه آماده می‌شوند که علیه عدالت و حقانیت بتازند. در آدمی این تصور ایجاد می‌شود که آدمیان این سرزمین سوگند یاد نموده‌اند که هیچ‌گاه کار نیکو انجام ندهند و بایست تمامی عمر خویش برای بدی با دیگران هزینه نمایند. از همین رو زنده‌گی عادلانه در این دیار، سرنوشت مبهم و پیچیده‌یی دارد. هرگاه به برخی از ما ستم و ظلم روا می‌رود، یا بی‌تفاوتی می‌گذریم و یا با منظر و دید کلیشه‌یی، فرصت ژرف‌نگری را از خود می‌ستاییم و بی‌باکانه از همه مسایل عبور می‌کنیم.

در گذشته‌ها معلمی، مقام و منزلت شریف بود و حضور در نهادهای آکادمیک، اعتبار اجتماعی خلق می‌کرد. اما اکنون منزلت و مقام استادی دانشگاه‌ها با رشوه، اختلاس، سوءاستفاده، قوم‌گرایی و مسوولیت‌ناپذیری افت کرده است. آدم امروز موقف‌های اجتماعی را فقط به منظور شکم چرب کردن و فریب شدن کسب می‌کند. من استادان و مسوولینی را می‌شناسم که در سال یک بار حداقل در صنف‌های دانشگاه دولتی حضور پیدا نکرده‌اند، اما روزانه تمام اوقات رسمی را در تدریس در دانشگاه‌های خصوصی در بدل پول مصروف‌اند و معاش دانشگاه دولتی را به مثابه میراث پدرشان حلال می‌پندارند و در کیسه‌شان انباشت می‌نمایند. انسان جامعه ما به قول دکتر شریعتی، بسیار اینه شده است؛ ثروت‌اندوزی اخلاق و وجدان را از ما گرفته است!

رییس جمهور در دیدار با مسوولان کمیسیون های انتخاباتی:

در دیدار با افسار مردم اعتماد ایجاد کنید

ریاست اجرایی:

مراجعه به مسوولان فعلی کمیسیون های انتخاباتی پذیرفتنی نیست

ناجیه نوری

ریاست اجرایی دولت وحدت ملی، آوردن اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی را اجتناب ناپذیر دانسته و می گوید که اصلاحات انتخاباتی برای آن ها خط قرمز است.

آصف آشنا معاون سخنگوی ریاست اجرایی می گوید، تا زمانی که اصلاحات بنیادی در کمیسیون های انتخاباتی به میان نیاید، هر نوع مراجعه به مسوولان فعلی این کمیسیون ها برای ما مشروعیت ندارد.

او تأکید کرد، مسوولان فعلی این کمیسیون ها که عامل اصلی بحران های انتخاباتی سال پار بودند و رأی مردم را که امانت سیاسی بود، مورد دست برد قرار دادند، نزد ما مشروعیت ندارند؛ بنابراین هر نوع مراجعه و مشوره با این کمیسیون، برای ما پذیرفتنی نیست و فاقد مشروعیت است.

آشنا، با رد این ادعا که گویا ریاست اجرایی از موقف گذشته خود در خصوص آوردن اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی عقب نشینی کرده و در این خصوص انعطاف نشان داده گفت: «ما همچنان در راستای اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی که خواست ما و خواست مردم افغانستان است، مصمم و قاطع ایستاد هستیم.»

گفته می شود که مسوولان کمیسیون انتخابات برای آوردن اصلاحات در این کمیسیون طرحی را به ریاست جمهوری ارائه کرده؛ اما تاکنون از جزئیات این طرح اطلاعی در دست نیست.

معاون سخنگوی ریاست اجرایی می گوید، ما سعی کردیم تا این مساله را از راه گفت و گو و تفاهم حل کنیم؛ اما متأسفانه عدم تعهد سیاسی لازم در نهادهای مشخص حکومت وحدت ملی، سبب شده تا این کمیسیون اصلاح نکرده؛ اما ما همچنان برای آوردن مصمم هستیم و این مساله را هم با جامعه جهانی، اتحادیه اروپا، پارلمان و نهادهای مدنی افغانستان در میان گذاشتیم.

آشنا گفت: «آوردن اصلاحات خواست جامعه جهانی و یک پیش شرط برای برگرداندن حیثیت از دست رفته کمیسیون های انتخاباتی است؛ بنابراین آوردن اصلاحات یک امر حتمی می باشد.»

وی تأکید کرد، آوردن اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی به سلیقه کسی نیست و این بحث مطرح نیست که اگر کسی نخواست پس اصلاحات نمی آید، بلکه آوردن اصلاحاتی حتمی و خط قرمز ما است. اما چمن شاه اعتمادی عضو مجلس نماینده گان می گوید، اختلافات میان دو تیم اجازه نخواهد داد که در کمیسیون های انتخاباتی اصلاحات به میان بیاید.

مهاجرت مردم افغانستان...

غیرقانونی از کشورمان می باشد و سایر کشورها نیز میزان حدود ۱.۲ میلیون مهاجر و پناهنده افغان می باشند.

آقای عالمی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به تدوین استراتژی جدید این وزارت اظهار داشت که آنان با مطالعه دقیق از عملکرد حکومت پیشین در امور مهاجرین و مشکلات فراروی وزارت مهاجرین دریافتند که با روش های قبلی، نمی توان راه حلی برای معضل مهاجرت افغان ها و مشکلاتی که پناهندگان با آن دست و پنجه نرم

پاکستان تمایلی برای نابودی...

اعلام کرد.

بر اساس این گزارش، کشوری که در فهرست وزارت امور خارجه امریکا حضور ندارند و در رابطه با تروریسم با این کشور همکاری نکرده اند، با تحریم های شدید مواجه خواهند شد.

این وزارتخانه اعلام کرد که پاکستان در حال مبارزه با چندین گروه افراطی و تروریستی است که دولت این کشور و فرقه های رقیب مذهبی را مورد حمله قرار می دهند.

گزارش می افزاید: پایگاه های مخفی طالبان افغانستان و شبکه حنفانی تا کنون در پاکستان وجود دارند و ارتش

او تأکید کرد، چون آوردن اصلاحات تامین کننده منافع بعضی از حلقه های حکومتی نیست؛ بنابراین بعید به نظر می رسد که مردم شاهد آمدن اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی باشند.

به گفته اعتمادی، اگر در کمیسیون های انتخاباتی اصلاحات به میان نیاید، بدون شک ما یک انتخابات شفاف و سالم و در آینده یک پارلمانی که از مردم نماینده گی کند، نخواهیم داشت.

وی افزود، پس آوردن اصلاحات حتمی است و باید مردم، جامعه مدنی و سایر نهادهایی که علاقمند شفافیت در انتخابات اند، بالای حکومت فشار بیاورند تا در کمیسیون های انتخاباتی اصلاحات بنیادی به میان بیاید.

ایجاد کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، یکی از ماده های مهم توافقنامه تشکیل حکومت وحدت ملی میان را تشکیل می داد؛ اما ده ماه از کار دولت وحدت ملی می گذرد، اما از شروع فعالیت این کمیسیون خبری نیست.

ظاهراً رییس جمهوری علاقه یی برای اصلاحات انتخاباتی ندارد. برخی از تحلیلگران می گویند که آقای غنی مدیون مسوولان کمیسیون های انتخاباتی است، از همین رو نمی خواهد که آنان از او ناراض شوند.

دیدار رییس جمهوری با مسوولان کمیسیون های انتخاباتی

در این حال، رییس جمهور شنبه شب با هیأت رهبری کمیسیون های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی دیدار کرد.

در این دیدار که در ارگ انجام شد، اعضای رهبری کمیسیون های متذکره طرح ها و پیشنهادات شان را بخاطر برگزاری انتخابات شورای ملی و شوراهای ولسوالی ها ارائه کردند.

بر اساس خبرنامه ارگ، آنان همچنان برای برگزاری موفقانه این روند سایر پیشنهادات شان را از جمله ارزیابی مجدد مراکز رای دهی، تثبیت کارت های رای دهی، استخدام افراد در پست های دائمی کمیسیون ها و ترتیب فهرست رای دهنده گان بیان نمودند.

رییس جمهور غنی پس از استماع خواست ها و پیشنهادات هیأت رهبری کمیسیون های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی گفت که باید چه گونه انجام کارها تشخیص گردد و از ظرفیت های موجود در نهادهای حکومتی از جمله وزارت های دفاع ملی، داخله، معارف و زراعت، برنامه همبستگی ملی، احصایه مرکزی و سازمان ملل متحد در این زمینه

می کنند، پیدا کرد.

وزیر امور مهاجرین، ایجاد کمیسیون عالی مهاجرت به ریاست رییس جمهور غنی، تدوین استراتژی جدید، آغاز مبارزه جدی با فساد، ایجاد یک مرکز معلومات، نشست های موثر با کشورهای میزبان به ویژه ایران و پاکستان به خاطر حل مشکلات مهاجران را از جمله کارکردهایش در این وزارت عنوان کرد.

گفتنی است که در مراسم روز جهانی پناهنده، با شعار «تعهد جهانی برای تامین حقوق پناهنده» برگزار شده بود؛ نماینده کمیساری عالی سازمان ملل در امور مهاجرین

این کشور با عملیات نظامی آن ها را تحت تأثیر قرار داده اما مستقیم و برای نابودی کامل آن ها را هدف قرار نداده است.

بر اساس این گزارش، گروه تروریستی القاعده در افغانستان و پاکستان تلفات زیادی داشته اما تیم رهبری این گروه، تاکنون در مناطق دورافتاده منطقه فعالیت می کند.

تیم رهبری القاعده در منطقه با فشار نیروهای امنیتی افغانستان، پاکستان و بین المللی روبرو است در حالی که قدرت فعالیت آزادانه این گروه بدلیل عملیات نظامی ارتش پاکستان در «وزیرستان شمالی» منطقه قبایلی این کشور تحت تأثیر قرار گرفته است.

افغانستان از هند و پاکستان

یکی را انتخاب نمی کند

صلاح الدین ربانی وزیر خارجه کشور هنگام ارائه برنامه صد روز نخست کاری اش گفت که افغانستان خواهان برقراری روابط دوستانه و عمیق با هند و پاکستان است و نمی خواهد به خاطر یکی از این کشورها، رابطه اش را با دیگری قربانی کند.

او گفت که رابطه میان هند و پاکستان برای افغانستان مهم است و کابل می خواهد هم زمان با هر دو کشور رابطه دوستانه داشته باشد.

آقای ربانی برنامه صد روز نخست کاری وزارت خارجه را در ۵ بخش که شامل ۶۰ مورد می شود، ارائه کرد.

آقای ربانی هدف برنامه صد روزه اش را افزایش مؤثریت در ارائه خدمات و صرفه جویی خواند و گفت که با این دو هدف می توان کارهای مثبتی در وزارت خارجه انجام داد.

اصلاحات، سیاست خارجی، روابط خارجی، پی گیری حقوق اتباع و مهاجران افغانستان، حقوق بشر و حقوق زنان، پنج بخش برنامه صد روزه وزارت خارجه می باشند.

هم چنان پی گیری ۱۲ موافقت نامه، همکاری های سیاسی و امنیتی با کشورهای همسایه و تلاش برای کسب عضویت افغانستان در سازمان شانگهای از برنامه های دیگر وزارت خارجه اند.

وزیر خارجه می گوید که اولین اقدام این وزارت در صد روز نخست، ایجاد سفارت در کشورهایی است که افغانستان در آن جاها نماینده گی سیاسی ندارد.

گشودن دو نماینده گی جدید در یونان برای حل مشکلات افغانستانی های مقیم این کشور و ایجاد کنسولگری افغانستان در کلکته هند، برنامه های وزارت خارجه برای حل مشکلات اتباع افغانستان می باشند.

آقای ربانی افزود: برای دست یابی به صرفه جویی در هزینه در صد روز آینده تصمیم داریم که سه سفارتخانه را ببندیم این سفارتخانه ها در برازیل، افریقای جنوبی و هنگری موقعیت دارد که به گفته وزیر خارجه هم مدیریت لازم را نداشتند و هم هزینه آن چند برابر درآمد سفارتخانه بود.

وی تصریح کرد که مسوولیت کاری این سفارت خانه ها، به نزدیک ترین سفارت خانه های دیگر سپرده می شود و کار اداری آنها ادامه دارد.

خطر فروپاشی...

هر دو تیم ایتلافی در ایجاد دو کمیسیون، اصلاح نظام انتخاباتی و تعدیل قانون اساسی باعث این وضعیت بحرانی می باشد. برای جلوگیری از تهدید فروپاشی سیاسی، نیازمندی فوری و اضطراری برای تشکیل فوری تر کمیسیون ها و راه اندازی هر چه زود هنگام لویه جرگه قانون اساسی می باشد.

این که چه گونه، چرا، روی کدام ملاحظات و یا اجنداها، اوضاع عمومی کشور به این جاها کشانیده می شود و چه باید کرد، امروز به یک نگرانی همگانی و ملی مبدل گردیده است که سرنوشت همه و هستی این سرزمین به آن گره خورده است.

نه می توان با قاطی کردن های تیم موءتلفه آن را گم کرد و بی تفاوت بود، و نه می توان با انحصار قدرت در دست چند تا انگشت شمار مجرد درون دولت و در محدوده آجنداهای پنهانی شان اعتماد نمود.

افغانستان قبل از همه ضرورت به یک اجندای ملی و شفاف دارد تا به قول قهرمان ملی، بتوانیم مشکل خود را هم با خود و هم با جهان بیرون حل نماییم. نه به بازی های ماجراجویانه، منفعت پرستی ها و مافیاهای مخفی کاری ها و فریبکاری ها و دروغ پردازی های.

این سیاست بازی ها به هر بهانه و تحت هر عنوانی که باشند، هیچگاهی باعث ثبات کشور و آرامش مردم نخواهد گردید، و در نهایت فقط زندگانی میلیون ها هموطن من و تو را به خطر خواهد انداخت.

از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

لشکر طیبه در سال ۲۰۱۴ میلادی در پاکستان آزادانه فعالیت داشت و دولت نیز هیچ واکنشی در این خصوص نشان نداده است.

خشونت سیاسی و زبانی در سال ۲۰۱۴ میلادی نیز در شهر کراچی پاکستان ادامه داشت و گروه های افراطی، مذهبی و احزاب سیاسی در این عملیات نقش مهمی ایفا کردند.

گزارش وزارت امور خارجه امریکا تصریح کرد: دولت پاکستان امنیت کراچی را در سال ۲۰۱۴ میلادی در اولویت قرار داد و علیه گروه های جنایت کار و تروریستی عملیات نظامی را آغاز کرد.

گزارش وزارت امور خارجه امریکا در رابطه با افغانستان نیز اعلام کرده که این کشور تاکنون متحمل حملات گسترده یی از سوی طالبان، شبکه حنفانی و سایر گروه های تروریستی است که برخی از آن ها از پاکستان سازماندهی می شود.

وزارت امور خارجه امریکا در این گزارش مدعی شده که ارتش پاکستان با عملیات نظامی علیه گروه های تروریستی مانند تحریک طالبان پاکستان را در سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز کرد اما عملیاتی علیه گروه های مانند «لشکر طیبه» انجام نداده است که تاکنون به آموزش نیرو، تبلیغات، استخدام و جمع آوری کمک مالی در انی کشور می پردازند.



ونگر:

وقت باز نشسته گی ام نیست

سرمربی فرانسوی توپچی ها می گوید نه تنها به باز نشسته گی فکر نمی کرد بلکه الان بیش از هر زمان دیگری برای کسب موفقیت انگیزه دارد.

آرسن ونگر ۶۵ ساله می گوید اینکه توانسته ۳۵ سال در دنیای مربیگری فوتبال دوام بیاورد از خوش شانس اوست اما هنوز قصد ندارد به حرفه اش خاتمه دهد.

ونگر که دوران مربیگری اش را در سن ۳۱ سالگی آغاز کرده است، در گفت و گویی جالب با سایت باشگاه آرسنال اظهار داشت: در جایی که شما میانگین عمر یک مربی را ۱۲ ماه می دانید، پس من خیلی خوش شانسم که توانسته ام ۳۵ سال دوام بیاورم. من آنقدر ساده نیستم که فکر کنم تا آخر عمرم می توانم در کنار زمین فوتبال مربیگری کنم و می دانم که سرانجام در یک مقطع باید سراغ کار دیگری بروم. با این حال تا زمانی که بتوانم به مربیگری در زمین بازی ادامه می دهم، چون آنجا جایی است که خوشحالم و احساس رضایت و مفید بودن به من دست می دهد.

ونگر که در دوران مربیگری اش در آرسنال بازیکنان با استعدادی مانند تیری آنری، سسک فابریگاس و پاتریک ویه را کشف کرد، به عنوان یکی از موفق ترین مربیان دنیا در حوزه توسعه فوتبال جوانان شناخته می شود و خود او هم این حوزه را به عنوان بخشی که بیشترین پاداش را برای او به همراه داشته است، می شناسد.

سرمربی فرانسوی توپچی ها تأکید کرد: من عاشق فوتبال هستم و عاشق اینکه سعی کنم به بازیکنان برای پیشرفت کمک کنم. من دوست دارم به بازیکنان کمک کنم که احساس کنند می توانند برای این باشگاه بازیکنی بهتر باشند. فکر می کنم که این بخش مهمی از شغل ما باشد. من کارم را در ۳۱ سالگی آغاز کرده ام و حالا ۶۵ ساله ام و هرگز از کار دست نکشیده ام، هرگز حتی برای یک روز. ۳۴ سال تمام من هر روز در زمین فوتبال با بازیکنان تمرین کرده ام. این زندگی من بوده است و تا زمانی که امکان داشته باشد، زندگی ام خواهد بود.



پوتین:

میزبانی جام جهانی را سزاوارانه

گرفتیم و پس نمی دهیم

رئیس جمهور روسیه با تأکید بر میزبانی کشورش برای جام جهانی ۲۰۱۸ عنوان کرد که این کشور قصد ندارد میزبانی را پس بدهد چرا که سزاوارانه آن را کسب کرده است. روسیه میزبان مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۱۸ با اتهامات زیادی از جمله تباہی و رشوه برای گرفتن این میزبانی روبرو شده است، هر چند رئیس جمهور این کشور به شدت این صحبت ها را تکذیب و عنوان کرد کشورش به صلاحیت میزبانی را بدست آورده است. ولادمیر پوتین رئیس جمهور روسیه درباره میزبانی این کشور برای جام جهانی ۲۰۱۸ گفت: اگر هر کسی مدرکی دارد که ما با رشوه و تقلب میزبانی را بدست آورده ایم، رو کند. ما برای کسب میزبانی جام جهانی جنگیدیم و سزاوارانه این میزبانی را بدست آوردیم. هر تصمیمی غیر از میزبانی روسیه برای جام جهانی ۲۰۱۸ ناعادلانه است و ما آن را نمی پذیریم. قصد ما میزبانی جام جهانی بود و به صورت اصولی وارد رقابت شدیم و خیلی هم عادلانه آن را بردیم. من میزبانی جام جهانی ۲۰۱۸ را حق کشور خودم می دانم. رئیس جمهور روسیه ادامه داد: فکر نمی کنم اشتباهی کرده باشیم. فکر هم نمی کنم که این تصمیم عوض شود چرا که روسیه با صلاحیت و شایستگی میزبانی جام جهانی را کسب کرد. ما ساخت ورزشگاه ها را برای میزبانی جام جهانی شروع کردیم و امیدواریم به زودی آماده شود.



راموس هیچگاه به بارسلونا

نمی رود



مدیر برنامه های سرخیو راموس کاپیتان رئال مادرید تأکید کرد که این بازیکن هیچگاه پیراهن بارسلونا را بر تن نخواهد کرد و در رئال باقی می ماند. روزنامه الموندو دیپورتیو ایالت کاتالونیا از اختلاف سرخیو راموس با سران باشگاه رئال مادرید سخن به میان آورد و تأکید کرد که کاپیتان رئال مادرید به احتمال زیاد در تابستان سال جاری پیراهن آبی-اناریها را بر تن خواهد کرد.

هنوز چند ساعت از منتشر شدن این خبر نگذشته بود که برادر و مدیر برنامه های راموس واکنش نشان داد و تأکید کرد که برادر او پیراهن آبی-اناریها را بر تن نخواهد کرد. یوردی ماخو که به احتمال زیاد یکی از گزینه های ریاست باشگاه بارسلونا خواهد بود اعلام کرد که اگر در این انتخابات به پیروزی برسد سرخیو راموس را جذب خواهد کرد اما مدیر برنامه های راموس تأکید کرد که برادرش در رئال مادرید باقی خواهد ماند. او گفت: این شایعات و گمانه زنی هایی که در رسانه ها منتشر می شود هیچ ارتباطی به راموس ندارد. دلیلی ندارد که راموس رئال مادرید را ترک کند. او در رئال مادرید باقی می ماند و هیچگاه به بارسلونا نمی رود.

هر چند مدیر برنامه های راموس اختلاف با سران باشگاه رئال مادرید را رد کرد، اما به نظر می رسد که او واقعیت را بیان نکرده است چرا که پیش از این در رسانه های اسپانیایی نیز آمد که راموس با سران باشگاه رئال بر سر قراردادش به مشکل خورده و این احتمال زیاد است که به لیگ برتر انگلیس برود.

رئیس اخیر بارسلونا:

با تمام قوت در پشت نیمار هستیم



رئیس اخیر باشگاه بارسلونا اعلام کرد که با تمام قوا از ستاره برزیلی این تیم دفاع خواهد کرد.

شرکت DIAS به دلیل تخلف صورت گرفته در قرارداد نیمار قصد شکایت از ستاره برزیلی، پدرش، ساندر و راسل، خوسب ماریا بارتومئو و دو عضو مدیریتی باشگاه سانتوس (تیم قبلی نیمار) را دارد. باشگاه بارسلونا برای خرید نیمار در جنوری ۲۰۱۴ رقم ۱۷,۱ میلیون یورو به سانتوس و ۴۰ میلیون یورو به شرکت N&N (آژانس نقل و انتقالاتی متعلق به پدر نیمار) پرداخت کرد و حالا شرکت DIAS ادعا می کند اگر بارسا واقعاً ۴۰ میلیون یورو به نیمار پرداخت کرده، آنها سهمی بسیار کم تر از آنچه باید، دریافت کرده اند.

خوسب ماریا بارتومئو که خودش هم به خاطر انتقال بحث برانگیز ستاره تیم ملی برزیل مورد تحقیق قرار گرفته است، گفت: نیمار در شرایط ناعادلانه ای قرار دارد. به هر حال ما به دفاع کردن از او ادامه خواهیم داد، چون نیمار همیشه به خوبی به وظایفش عمل کرده است. همیشه گفته ام که پرونده اول نیمار بدون هیچ مشکلی به پایان خواهد رسید. حالا هم پرونده دیگری رو شده است. مهم این است که نیمار با بارسلونا است و سال ها در کنار ما خواهد بود.

بارتومئو که از سال ۲۰۱۰ به عنوان نایب رئیس باشگاه فعالیت خود را در بارسلونا آغاز کرد و در ۱۸ ماه گذشته با کناره گیری ساندر و راسل بر مسند ریاست این باشگاه تکیه زد، در خصوص احتمال جذب ستاره فرانسوی یوونتوس اظهار داشت: در مورد پوگبا نمی توانم نظری بدهم، چون در حال حاضر پستی در باشگاه بارسلونا ندارم. نمی دانم در حال حاضر این موضوع در چه مرحله ای است ولی اطمینان دارم که کار بر روی جذب پل پوگبا ادامه دارد. البته نمی توانم این را بگویم که ۸۰ میلیون یورو برای جذب این بازیکن زیاد است یا کم!

وی ادامه داد: لوئیس انریکه در حال حاضر در تعطیلات به سر می برد و نیاز به آرامش و استراحت دارد. وقتی از تعطیلات بازگشت، آن وقت است که به فوتبال و بازیکنانش خواهد پرداخت. ما خودمان را برای انتخابات ریاست باشگاهی آماده می کنیم که در تمامی جنبه ها در جهان پیشتاز است. بارسلونا اولین باشگاهی در جهان است که بیش از ۶۰۰ میلیون یورو در سال درآمد داشته است.

رئیس تازه مستعفی باشگاه بارسلونا تصریح کرد: نمی دانم که چقدر شانس پیروزی در انتخابات را دارم ولی این را می دانم که هواداران مان خوشحال هستند و این تنها به خاطر سه گانه قهرمانی نیست. همین موضوع ما را دلگرم و تشویق می کند. به عقیده ما باشگاه در پنج سال اخیر پیشرفت فوق العاده ای کرده است. به هر حال باید منتظر انتخابات ماه آینده بمانیم و ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد و کدام نامزدها به دور دوم راه پیدا خواهند کرد.

بارتومئو در پایان در خصوص اعلام کاندیداتوری خوان لاپورتا، رئیس پیشین باشگاه بارسلونا عنوان کرد: نامزدهای زیادی در این انتخابات شرکت خواهند کرد و تمایلی به صحبت در مورد هیچ یک از آنها ندارم.

تلاش اوباما برای تغییر قانون اسلحه در امریکا



با حالتی پریشان وارد اسلحه‌فروشی شده و ناگهان کنترل خود را از دست داده و دست به اقدامات خطرناک و مرگباری می‌زند.

اوباما گفت: متأسفانه نفوذ انجمن ملی سلاح بر کنگره بسیار شدید است. من هیچ اقدام قانونی از سوی این کنگره درخصوص این مساله پیش‌بینی نمی‌کنم و فکر نمی‌کنم تا زمانی که مردم امریکا احساس اضطراب و فوریت کنند و به خودشان بگویند که «این مساله عادی نیست و می‌توانیم آن را تغییر دهیم»، اقدام واقعی صورت گیرد و اگر شما چنین جامعه و فشار مردم را نداشته باشید، خود به خود چیزی تغییر نمی‌کند.

وی افزود: نمی‌توانم بگویم قانون کنترل سلاحی که اوایل ریاست‌جمهوری‌ام به کنگره ارائه کردم و ناموفق بود می‌توانست مانع تیراندازی‌های «چارلستون» شود اما هنوز خیلی از مردم امریکا با ما هم‌عقیده هستند.

وی از شهرداران خواست تا به کنگره درخصوص این مساله فشار آورند.

طرح قانونی باراک اوباما که از سوی نمایندگان جمهوری‌خواه و نیز دموکرات مجلس سنای امریکا رد شد، مواردی مانند تهیه و گسترش سیستمی در جهت ذخیره و بررسی پیشینه خریداران و صاحبان اسلحه و هم‌چنین لغو ممنوعیت‌های پژوهشی درباره‌ی خشونت‌های ناشی از تملک سلاح را در بر می‌گرفت.

رییس جمهور امریکا، هم‌چنین از فاجعه‌ی تیراندازی در کلیسای سیاهپوستان چارلستون به عنوان «عملی نژادپرستانه» یاد کرد و آن را میراث «عصر تاریکی در تاریخ امریکا» خواند و گفت که ابراز تأسف همگانی در مورد این رویداد خونین، نشان می‌دهد که می‌توان بر بقایای نفرت به‌جا مانده از آن، غلبه کرد.

رییس‌جمهوری امریکا این عقیده را که تیراندازی‌های گسترده دائمی به مساله عادی جدیدی در امریکا تبدیل شده، نپذیرفت اما انتظار هم ندارد کنگره به خاطر نفوذ «انجمن ملی سلاح» نسبت به این مساله واکنش نشان دهد با این حال بار دیگر خواهان تصویب قانونی در جهت محدود ساختن شرایط استفاده از اسلحه از سوی شهروندان این کشور شد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، باراک اوباما، رییس‌جمهوری امریکا گفت، اظهارات اولیه‌اش درخصوص تیراندازی در کلیسای کارولینای جنوبی مبنی بر اینکه واقعیت‌های سیاسی مانع عکس‌العمل کنگره است، توسط برخی‌ها بد تعبیر شده چرا که نشان می‌دهد وی کنار کشیده و هیچ کاری درخصوص مساله داشتن سلاح انجام نمی‌دهد.

اوباما در کنفرانس شهرداران امریکا گفت: من کنار نکشیده‌ام. من باور دارم که نهایتاً کار درست را انجام خواهیم داد.

رییس‌جمهور امریکا افزود: گفت‌وگوهایی منطقی باید درباره این موضوع صورت گیرد بدون اینکه این پیش‌فرض‌ها وجود داشته باشد که تمام دارندگان سلاح که از قوانین کاملاً پیروی می‌کنند، شیطانی هستند یا اینکه تمام وقایع اخیر توطئه‌ای برای گرفتن سلاح از دست مردم است.

اوباما سپس ابراز امیدواری کرد که این بحث‌ها سرانجام به تغییر عقیده‌ی شهروندان این کشور در جهت تحدید شرایط استفاده از اسلحه بیانجامد. او گفت که امریکا، «قدرت تغییر» دارد و تنها باید به «اهمیت و فوریت این موضوع» پی ببرد.

وی ادامه داد: امریکا باید راهی پیدا کند تا همزمان با احترام گذاشتن به سنت‌های شکار و جوانمردی مانع جوان ۲۱ ساله‌ای شود که نژادپرست است

صدور حکم بازداشت بدون قرار وثیقه برای پرویز مشرف

یک دادگاه پاکستانی حکم بازداشت بدون قرار وثیقه برای پرویز مشرف در ارتباط با پرونده قتل روحانی ارشد مسجدی در اسلام آباد را صادر کرد که مربوط به عملیات نظامی در جولای ۲۰۰۷ بود.

به گزارش پایگاه خبری ایندیا تایمز، در سال ۲۰۱۳ پرونده‌ی علیه پرویز مشرف، رییس‌جمهوری سابق پاکستان بازگشایی شد که در رابطه با قتل قاضی عبدالرشید، روحانی برجسته مسجدی در اسلام آباد بود که در زمان حمله نیروهای ارتش به این مسجد کشته شد. این مسجد به نام «لال مسجد» هم شناخته می‌شود که در مرکز پایتخت پاکستان واقع است. قاضی به همراه مادرش در زیرزمین مسجد کشته شدند. جلسه بعدی رسیدگی به این پرونده ۲۴ جولای تعیین شده و دادگاه منطقه‌ای درخواست معافیت حضور مشرف در جلسه دادگاه را به دلایل پزشکی رد کرده و به پولیس دستور داده تا وی را بازداشت کند و به جلسه دادگاه بیاورد.

کامران بشرات، قاضی این پرونده همچنین از ضامن‌های مشرف خواست تا از حضور وی در جلسه بعدی دادگاه اطمینان حاصل کنند و هشدار داد که چنانچه مشرف در دادگاه حاضر نشود، اقدامی علیه آنها انجام می‌دهد.

رییس‌جمهوری سابق پاکستان که هم اکنون با دخترش در کراچی زندگی می‌کند، هنوز هم با پرونده‌هایی در ارتباط با دوران حاکمیتش رو به روست.

وی همچنین به دلیل اعمال وضعیت فوق‌العاده در سال ۲۰۰۷ با اتهام خیانت رو به رو شد. علاوه بر این مشرف با اتهام قتل نواب اکبر بوگتی، رهبر ملی گرایان بلوچ و نیز ترور سال ۲۰۰۷ بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر سابق پاکستان رو به روست.



رییس ارتش پاکستان: پاکسازی کامل کشور از تروریست‌ها اولویت ماست



رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان با هدف دستیابی به یک پاکستان عاری از تروریست قول داد که تمامی تروریست‌ها و بودجه‌سازان آن‌ها را دستگیر کند.

به گزارش خبرگزاری آسیا، بنا به گزارش روابط عمومی سرویس‌های داخلی پاکستان، ژنرال "راحیل شریف" رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان در جریان بازدید از سربازان در ایالت خیبرپختون خوا به بررسی پیشرفت‌های عملیات نظامی علیه تروریست‌ها پرداخت.

وی در جریان سخنرانی در جمع این سربازان گفت: در این منطقه که عملیات نظامی برای مقابله با تروریست‌ها صورت گرفت هدف تنها از میان برداشتن آنها بوده است. ما به دنبال تبدیل کردن پاکستان به کشور عاری از تروریست‌ها هستیم. ما کارهایی را برای مقابله با این گروه‌ها انجام داده‌ایم و به آن‌ها اجازه نمی‌دهیم تا بار دیگر تشکیل گروه دهند.

اولین دیدار اردوغان و گل پس از انتخابات اخیر ترکیه



سور گتتم که تمایلی به نگارش این کتاب ندارم. با این حال سور ادعا می‌کند که گل تمام کتاب را پیش از چاپ خوانده و حتی برخی مسائل آن را اصلاح کرده است.

در این کتاب، سور از اختلافات موجود بین سران حزب عدالت و توسعه در پرونده شونود و فساد مالی که وزرا در آن نقش داشتند نیز سخن گفته است. وی در این کتاب مدعی شده گل تاکید داشته چهار وزیر کابینه که در این پرونده‌ها دست داشته‌اند از کابینه خارج شوند.

این در حالی است که این روزها مساله خروج یا بقای این وزرا در کابینه آتی مساله‌ای کلیدی در گفت‌وگوهای ائتلاف است.

رییس‌جمهور فعلی و سابق ترکیه در اقدامی غیرمنتظره، ۱۹ جون در پارلمان دیدار کردند.

به گزارش روزنامه حریت، این اولین دیدار رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور فعلی و عبدالله گل، رییس‌جمهور سابق ترکیه پس از انتخابات هفتم جون است که در دفتر جمیل چیچک، رییس پارلمان این کشور انجام گرفت.

این دو سیاستمدار هم‌مسلك که از اعضای بنیانگذار حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۱ محسوب می‌شوند هر دو در مراسم رییس‌جمهور فقید این کشور سلیمان دمیرل که اوایل هفته گذشته فوت کرد، شرکت کردند.

دیدار این دو عضو حزب حاکم عدالت و توسعه که این روزها با بحران تشکیل دولت دست به گریبان است، پس از انتشار کتاب احمد سور، مشاور قدیمی گل صورت گرفت. سور در این کتاب از برخی اختلاف‌نظرها بین گل و اردوغان پرده برداشته است.

این کتاب که «۱۲ سال با عبدالله گل» نام دارد، ۱۴ ژوئن منتشر شد و اختلاف‌نظرات گسترده گل و اردوغان را در مسائل مختلفی از جمله سیاست دولت در قبال سوریه، اعتراضات پارک گزی ۲۰۱۳ و آزادی‌بیان افشا کرده است.

با این حال پس از انتشار این کتاب، گل روز ۱۶ ژوئن با انتشار بیانیه‌ای ادعای مطرح شده در این کتاب را رد و اعلام کرد، گفته‌های این کتاب بیانگر نظرات شخصی وی نیستند.

رییس‌جمهور سابق ترکیه در بیانیه خود نوشت: من در نوشتن این کتاب هیچ پیشنهاد یا کمکی آرایه نداده و در آمادگی آن نقشی نداشته‌ام. بلکه حتی به احمد